روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۵ آبان ۱۳۹۴ • ۱۳محرم ۱۴۳۷ • ۲۷ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۴ • اذان‌صبح‌فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

عالمیِ نردبام، ما روببر پشت‌بام

پوریا عالمی

● از خواب که بیدار شـدم دیـدم ۶۰ هزار میس‌کال دارم و ۶۰۰ هـزار اس‌ام‌اس. جی‌میـل را بـاز کردم و دیدم شش میلیون ایمیل دارم. رفتم فیس‌بوک دیدم شش‌میلیارد مسـیج دارم. رفتم اینسـتاگرام و دیدم شش‌بیلیون دایرکت دارم. گفتم ددم وای. شاید فوت کـردم و تسـلیت گفتند و من هم بدنم گرم اسـت و هنوز متوجه نشـده‌ام. بعد پیام‌ها را باز کردم و دیدم همه از من دعوت کردنـد برای کاندیداتوری. به جان عالمی همچون قرص جوشـان کف کردم. بعد زنگ در خانـه را زدند. آمـدم بیـرون دم در و دیدم مردم صف کشـیدند. صف ها. همه با هـم می‌گفتند پوریا بیا. پلاکارد دستشان گرفته بودند و شعار می‌دادند که «سلام بر عالمی| همین‌طوری دورهمی» و «کاندیدای ما عالمیه، عجب چیز باحالیه» و «عالمی نردبام، ما رو ببر پشت‌بام» و «ای پوریای عالمی| تو عین آب‌قندمی» و «آهای عالمی، تو خـودت یه عالمی» و «عالمی‌رو ببین چه نازه، عینهو بابالنگ‌درازه».

گفتم من پیام شما را شنیدم. بعد گفتم اولا که من بیا نیستم. دوم اینکه دارید مسخره‌اش را درمی‌آورید؟ من یک‌هفته مدیر ساختمان بودم دوتا سقف ریخت و همه چاه‌ها گرفت و دوتا بچه به ساختمان اضافه شد بعد فهمیدیم پناهنده بودند و دیدند مدیر سـاختمان من شدم فکر کردند کویت است و از ساختمان بغلی آمدند توی شـوفاژخانه مستقر شدند و یک بچه‌گربه در حیاط بـود، روزی سـه‌تا گربه خیابانـی از جوب می‌گرفت می‌آورد توی حیاط و تا آخر شـب چراغ‌ها را روشـن می‌گذاشـت و گرد موش می‌زدند و صدای میومیوشان تا هفت‌تا خانه آن‌طرف‌تر می‌رفت. مردم گفتند نه عالمی تو داری شکسته‌نفسی می‌کنی. گفتم نه باباجان. من سـر همین قضایا و اینکه پول شـارژ سـاختمان را بالا کشـیدم و ویزای کانادا گرفته بودم که بروم بغل سلین دیون خودم را جا کنم و همسایه شوم، توی فرودگاه دستگیر شدم و به همین برکت که دیشب با سند آزاد شدم. من اصلا خنده‌دارم برای این حرف‌ها. بعد گفتم البته یک‌موقع به آقای احمدی‌نژاد توهین نکرده باشـم. من خودم فن ایشـان هسـتم و یکی از سـرافکندگی‌های زندگیم این اسـت که چرا به ایشـان رأی ندادم چون حداقل خوش می‌گذشت. مردم گفتند نه تو باید بیایی. گفتم شـما اصلا بگویید چرا یکهو من؟ که مردم به نقل از ایسـنا و ایسـنا به نقـل از آسوشـیتدپرس گفتند: «جیمـی مورالس»، کمدیـن تلویزیونـی گوآتمـالا، در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور با ۶۹ درصد آرا پیروز شد».

آقا تا این را گفتند من سـریع مواضعم را شـفاف کردم و گفتم:

۱- اینجا گوآتمالا نیست که

۲- واقعـا فکر می‌کنید من خنـده‌دارم که آمدید سـراغ من؟ چـرا نرفتیـد خندوانه؟ من کـه خیلی گریه‌دارم. اصلا لباس‌هام هم به تنم زار می‌زند.

۳- نکنـد خندوانـه دسـت‌گرمی بـود کـه مناظـرات انتخابات بعدی را رامبد جـوان با حضور استندآپ‌کمدین‌هاش برگزار کند؟

۴- چرا ایـن آقاهه ۶۹ درصـد رأی آورده؟ چون ۶۹درصـد رأی آورده یاد مـن افتادید؟ من چه ربطی دارم به ۶۹؟ من قدم یک‌وهشـتادوهفت است و ۶۹ اینا نداریم اصلا.

۵- حـالا واقعـا از من خنده‌دارتر پیـدا نکردید با رئیس‌جمهور گوآتمالا رقابت کند؟ راستش من خودم همیشـه توی ذهنـم فکر می‌کردم گاندی هسـتم و خیلی جهان‌بینیم جهان‌شمول است.

۶- من با ادای احترام به پیش‌کسـوت خنده وارد عرصه انتخابات می‌شـوم و تا همیشـه مدیون رضا شـفیعی‌جم و علی صادقی و محمـود احمدی‌نژاد هسـتم که روی دیپلماسی و جهان‌بینیم تأثیر بسزایی گذاشتند.

۷- به جان عالمـی اسـترس دارم بیایم کاندیدا شوم همین‌طوری خنده‌خنده مردم رأی بدهند که این خیلی گریه‌آور است.

۸- به من اگـر رأی بدهید روزی یک جوک برایتان تعریف می‌کنم. سخنرانی‌هام را هم باید بلیت بگیرید چـون واقعـا از خنـده می‌ترکید. بعد با پـول بلیت برنامه‌هـام پول یارانه‌تان را می‌دهـم. این بهترین راه است که به ذهن هیچ‌کس نرسیده بود تا الان.

۹- حیف که سـتونم دیگر جا ندارد. می‌خواستم چشم‌انداز اقتصادی‌ام را با رسم شکل ترسیم کنم.

فرداگذرانی

● تیمـی از مسـتندنگاران کشـور بـرای نوشـتن روایت‌هایی مسـتند از یک دانشـگاه گردهم می‌آیند که انتشـار ایـن روایت‌هـا در قالب کتابی بـا عنوان «روایت‌های دانشـگاه تهران» صورت خواهد گرفت. این اتفاق به‌عنوان بخش جنبی مسـابقه «داسـتان تهران» قرار است به داستانی با محوریت این دانشگاه جایزه‌ای به مبلغ پنج میلیـون تومان اهدا کند. زمان داوری اولیه این مسـابقه آغاز شـده و علی خدایی، فرخنـده آقایی، علـی مؤذنی، بلقیس سـلیمانی و محمدحسن شهسـواری داوری این رقابت را برعهده خواهند داشت. در داسـتان‌های ارسالی، شهر تهران باید نقشی محوری داشته باشد به این معنا که داستان چنان با مؤلفه‌های شهری تهران گره خورده باشد که در مکان‌های دیگری جز این شهر قابل تصور نباشد.

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

خلط مبحث

برابری کامل ۲۰ پله زیرزمین

مرضیه رسولی

درِ آهنـی را بـاز کردیم و حـدود ۲۰ پله پایین رفتیـم. به صف ۱۰، ۱۲ نفره‌ای رسـیدیم که برای خرید بلیت سـینما صـف کوتاهی بـود اما برای رسـیدن به توالت صف بلندی محسوب می‌شد. با نگاه خوش‌بین باید یک‌ربـع منتظر می‌ماندیم. فقط یک توالت وجود داشت و تاریکی، سرما، بوی غیرقابل‌تحمـل و گندابی کـه روی زمین حرکت می‌کرد فضا را تبدیل به منطقه ناجوری کرده بود و قیافه همه ما ماتم‌زده بود. اما انگار سـاعت‌ها هم همه یخ زده بودنـد و عقربه‌ها یارای حرکت نداشـتند. می‌گویند زمان در توالت‌های بین‌راهی متوقف می‌شود اما این توقف روی عمر انسان اثر عکس دارد و مبتلایان عمری کمتر از کسانی دارند که گذرشـان به این مکان‌های مخوف ضدانسانی نیفتاده است.

بـه توریسـت‌های خارجی توصیه می‌شـود برای سـفر به ایران قرص ضدادرار با خود داشته باشـند تا در جاده مجبور به استفاده از توالت‌های بین‌راهـی نشـوند. همیـن یکـی، دوهفته پیش خبرگزاری مهر عکس‌هایی از سـرویس بهداشتی و توالت‌هـای مسـجد امام در اصفهان گذاشـته بود که هر گردشـگر باوجدانـی را متأثر می‌کرد و حسـاس‌ترها را به گریه می‌انداخت. نوشـته بود صدای خارجی‌ها از وضعیت بهداشت در مسجد امام درآمده، یعنی مهم‌ترین مسـجد کشـور، که اتفاقا در فهرسـت میـراث جهانی یونسـکو هم ثبت شـده و این سازمان بودجه‌ای برایش در نظر گرفته چنیـن وضعیتی دارد، من چـه انتظاری از توالت محقـر بین‌راهی در جـاده چالوس دارم؟ ایسـنا هم یک گزارش تصویری منتشر کرده بود از شـکایت خارجی‌هایی که در هتل‌های یک‌ستاره، سه‌ستاره و حتی پنج‌ستاره اسیر و گرفتار وضعیت بد سـرویس‌های بهداشتی شده و عکس گرفته و در سایت‌های پربیننده‌ای مثل tripadvisor منتشر کـرده بودنـد که آبروی مـا را بیشـتر ببرند چون همیشه برنامه این بوده که هر کاری می‌کنی بکن، فقط همسـایه را خبـردار نکن. حـالا توالت‌های بین‌راهی، یا هر توالتی که ممکن اسـت چشم یک گردشگر خارجی بهش بیفتد مهم شده. یعنی در این حد مهم شـده که فعلا ازش عکس بگیرند و بگوینـد چنین وضعیتی وجود دارد، درحالی‌که ما با ایـن وضعیت بزرگ شـده‌ایم و اصلا تا پیش از دیدن این عکس‌ها فکر می‌کردیم اقتضای توالت بیـرون خانه همیـن اسـت و ذات طبیعتش این است. توالت بین‌راهی شـاید تنها جایی است که فقیر و غنی، ارباب و رعیت، فرادسـت و فرودست به هم می‌رسند و در برابری کامل قرار دارند. سوار ماشین یک‌میلیاردتومانی هسـتی اما باید ماشین را کنـار بزنی، پله‌هـا را پایین بـروی و توی صف بایسـتی چون تا رسـیدن به توالت تمیز بیشتر از صد کیلومتر راه اسـت ولی در آن وضعیت حتی این برابری هم خوشـحالی ندارد. ما فکر می‌کنیم این یک وضعیت داخلی اسـت، فقـط مربوط به کشور ماسـت و توالت‌های بین‌راهی در بقیه دنیا به‌جای اینکه باری روی دوش مسـافر بگذارند، با مهربانی و طیب‌خاطر بارهایش را سبک می‌کنند. تا اینکه تیتر «تمیزترین توالت بین‌راهی در دنیا» را در یکی از سـایت‌ها می‌بینیم که در فیلیپین وجود دارد و به دیوارهایش تابلوهای نقاشـی زده‌اند و همه‌جایش را گل و گیاه گذاشته‌اند. پس حتما در بقیه جاهای دنیا هم دربه‌در توالت تمیز هسـتند و اگـر توالتی تمیز بود و حتـی بیش از حد انتظار تمیز بود، خبرش به‌عنوان پدیده‌ای شگفتی‌ساز به کل جهان مخابره می‌شـود و مایه فخر و مباهات آن کشور خواهد شد و روابطش را با جهان بهبود خواهد بخشید.

در کتاب «کافه اروپا» نوشته اسلاونکا دراکولیچ ترجمه نازنین دیهیمی خواندم که در رومانی هم معضل توالت عمومی وجود داشـته و نویسنده، بی‌مسـئولیتی ناشـی از وجود توالت‌های کثیف در دوران کمونیسـم را متوجه مـردم کرده بود و تحلیل مفصلی بر این معضل نوشـته بود، و بعد دوسـتم گفت که در جاده‌هـای آمریکا هم وضع از این بهتر نیسـت فقط کسی درباره‌اش صحبت نمی‌کند، چون مردم فقط چندبار در سال درگیرش می‌شوند و به‌سرعت هم فراموشش می‌کنند، پس جامعه‌شناسـان و تحلیلگران نبایـد توالت‌ها را تبدیل به منبعی برای ارزیابی دولت و مردم کنند. به نظر می‌رسد هر تحلیلی در این زمینه، دامن‌زدن به انفعال و پافشـاری بر وضع موجود باشد. باید کاری کرد، مثلا دولت، سـاخت و اداره توالت‌های بین‌راهی را به بخـش خصوصی واگذار کند و در عوض گرفتن مالیات از آنها بخواهد که در نظافت توالت‌ها کوشـا باشند و ما شـهروندان بدانیم که امـوال عمومی متعلق به همه اسـت و خودمان هم جزء همه محسوب می‌شویم و همه به معنی هیچ‌کس نیسـت. امـا اقدام فوری این اسـت که همیشـه قرص ضدادرار همراه داشته باشیم و از خوردن مایعات تا حد امکان بپرهیزیم.

گفتار

منافع ملی با مک‌دونالد و کی‌اف‌سی تأمین نمی‌شود

احمد شیرزاد

چندی است موضوع ورود برندهای آمریکایی به ایران به‌ویژه در زمینه موادغذایی مطرح شده است. پس از اینکه ورود «مک‌دونالد» به ایران تکذیب شد، حالا نوبت به برند غذایی «کی‌اف‌سی» رسیده است. درباره این خبر یک سـؤال مهـم و جدی قابل طرح اسـت؛ چنانچه تمام موانع سیاسی ارتباط با آمریکا کنـار برود، چه جنبه‌هایی از این ارتباط برای ما مهم اسـت و اولویت دارد؟ اگر یک اولویت‌بندی کنیم و بخواهیم رابطه‌ای براساس منافع ملی کشورمان با هر کشـور دیگری ازجمله آمریکا برقرار کنیم حتما آخریـن اولویت به موادغذایی می‌رسـد و چه‌بسـا در چنین رابطه‌ای بهتر باشـد ایرانی‌ها پیش‌دستی کنند و قورمه‌سـبزی را صـادر کنند! اگـر از برخی حساسیت‌ها، بهانه‌گیری‌ها و تعصبات دلواپسانه در این زمینه بگذریم، منافع ملی حکم می‌کند در زمینه ارتباط با سـایر کشورهای جهان سنجیده و براساس منافـع ملی عمـل کنیـم. سیاسـت تنش‌زدایی از سیاست خارجی به‌هیچ‌وجه به معنی نادیده‌گرفتن منافع ملی نیست و اتفاقا به این معناست که تنش در ارتباط با کشـورهای جهان ممکن است به منافع کل کشـور و مردم ضربه بزنـد و به‌همین‌دلیل باید براسـاس منافع مشترک و آداب دیپلماتیک با جهان رابطه برقرار کرد. آنچه نیاز امروز ما در کشـور است و مزیـت ارتباط با دیگر کشـورهای جهان اسـت، برقراری روابط علمی و پژوهشـی است. آمریکا نیز یکی از کشورهای جهان است که برخی از مهم‌ترین مراکز علمی دنیا را در خود دارد و حتی بسـیاری از محققان دنیـا با وجود اینکه آمریکایی نیسـتند، در دانشـگاه‌ها و مراکز علمی آمریکا فعالیت می‌کنند. به‌همین‌دلیل اگر می‌خواهیم ارتباطی با این کشـور یا کشـورهای دیگر دنیا برقرار کنیـم، اولویتمان باید ارتباط با مراکز علمی و پژوهشـی آنها باشد. هر نوع دعوت از پژوهشـگران و محققان بـه ایران به‌نفع کشور است و باعث ایجاد جهش علمی می‌شود. از سـوی دیگر ما باید بتوانیم محققانمان را به مجامع علمـی دنیا بفرسـتیم. همچنین بایـد بتوانیم ابزار پژوهشـی و آزمایشگاهی با تکنولوژی‌های بالا را که بـا عنوان های‌تک توصیف می‌شـوند، در این دوران گشایش و ایجاد رابطه با دنیا، وارد کنیم که در تمام این سال‌ها مشمول تحریم بوده‌اند. خیر و برکت یک ارتباط باید به همه کشـور و حتی نسـل‌های بعدی برسـد. اگر ما می‌خواهیم کالایی از آمریکا وارد کنیم باید از صنایع نفتی‌شـان اسـتفاده کنیم. ما به‌خاطر نداشتن تکنولوژی پیشرفته اسـتخراج نفت، هزینه استخراجمان سه‌برابر کشـورهای همسایه است و به‌خاطـر نبود چنین تکنولوژی‌هایـی ذخایر نفتمان آسـیب می‌بیند و توسعه کشـور متضرر شده است. معتقدم دست‌اندرکاران حل مسئله هسته‌ای کشور نیز از تبعات رفتن به‌سوی چنین روابطی آگاه هستند.

گزارش فردا

قرایی‌مقدم پاسخ می‌دهد:

آیا کمپین‌های دولتی چاره‌ساز هستند؟

شـرق: دولـت به‌تازگـی در چند حـوزه مختلف از جمله محیط زیست، جوانان و آسیب‌های اجتماعی دسـت‌به‌کار ایجاد کمپین‌های مختلف شده است. از سـوی دیگر نهادهای دیگر نیز بی‌کار ننشسته‌اند؛ به راه‌انـدازی کمپین اقدام کرده‌اند. بنابراین این سـؤال به ذهن می‌رسـد که جـدای از منافعـی که چنین کمپین‌هایـی به دنبال دسـتیابی به آن هسـتند، آیا نهادهای دولتی می‌توانند رأسـا وارد عمل شـوند و کمپین را که یک مفهوم مردمی دارد با سـازوکارهای خود راه بیندازند؟
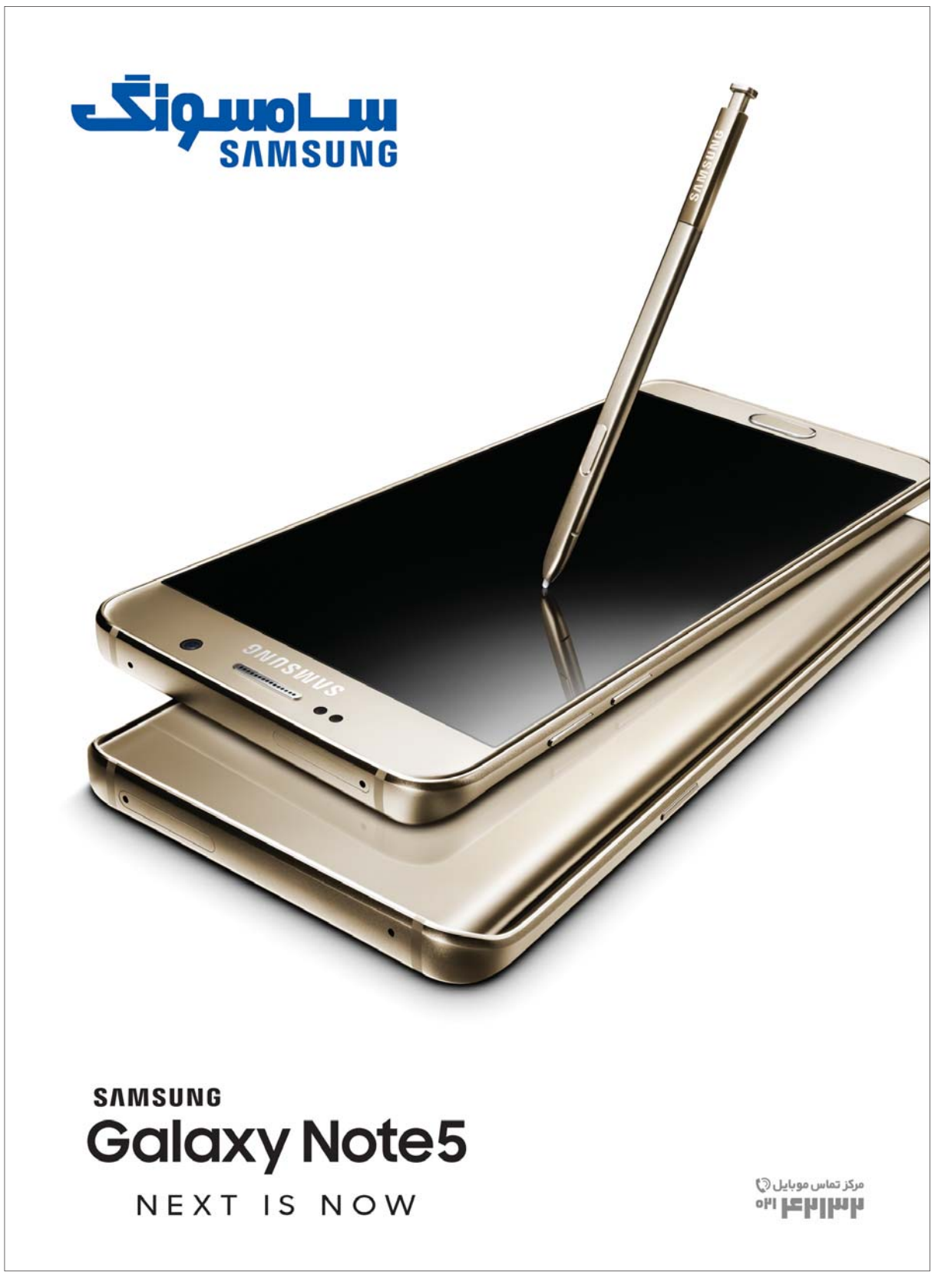
اینها سـؤال‌هایی اسـت که امان‌الله قرایی‌مقدم، نه‌تنها در مقام جامعه‌شـناس و استاد دانشگاه بلکه به‌عنـوان یک فعال مدنی به آنها پاسـخ می‌دهد. او در اولین قـدم، ایجاد هرگونه کمپینـی در جامعه را مفیـد ارزیابی می‌کنـد، چراکه معتقد اسـت در این مسیر می‌توان شاهد مشارکت اجتماعی بیشتر مردم بود: «ایجاد کمپین‌های مختلف که زمینه مشـارکت گروه‌هـای گوناگـون در جامعـه را فراهـم می‌کند، همواره قابل دفـاع بوده و هسـت، چراکه می‌تواند زمینه مشـارکت اجتماعی افراد شود». به گفته او اگر بخواهیم جامعه به‌سوی توسعه‌یافتگی حرکت کند، باید زیرساخت‌هایی برای آن فراهم شود که یکی از این زیرساخت‌ها، ایجاد و امکان مشارکت اجتماعی بیشتر اسـت: «همان‌طور که بارها و در حوزه‌های مختلف به آن اشاره شـده، سپردن امور هر گروه از جامعه به دسـت خودش می‌تواند یک راهـکار برای موفقیت طرح‌های بلندمدت باشـد. مثلا اگر می‌خواهیم برای جوانان برنامه‌ریزی کنیـم، باید از وجود خود جوانان بهـره برد. چنین فرصتی به مـا این امکان را می‌دهد که از مسیر توسـعه جامعه به سمت مردمی کردن امـور حرکت کنیم و فارغ از محدودیت‌هایی که غالبا رودرروی پیشـرفت‌ها قرار می‌گیرد، در سطح جامعه این باور را به وجود آوریم که زمان، زمان تغییر است». او بـر این باور اسـت: «امروز جوانان ما از نسـل‌های مختلف به سمت خوداندیشی به حرکت درآمده‌اند، پس اگر می‌خواهیم زمینه این حرکت را روان‌تر کنیم بایـد از کمپین‌ها، گروه‌ها و کانون‌های مختلف در این عرصه بهره‌مند شـویم». قرایی‌مقدم، در زمینه ورود نهادهای مختلف به کمپین‌سـازی‌های گوناگون هم، پاسـخی مبتنی بر تسامح و تسـاهل دارد که یادآور فضـای سیاسـی زمانی اسـت که اولیـن کمپین‌ها به‌صورت گسترده در کشور به وجود آمدند: «اگر ایجاد چنین کمپین‌هایی در قدم اول با مشـارکت نهادهای مختلف و حتی دولت باشـد از نظر من ایرادی ندارد، چراکه زمینه‌ای ایجاد شده تا به‌تدریج مردم خودشان میزان مشـارکت را به حدی برسـانند کـه کمپین به مفهـوم واقعی خـود نزدیک‌تر شـود». او می‌گوید یادمان نرود در طول تاریخ شکست‌های مختلف ما به دلیل فاصله‌ای بوده که میان مردم و دولت‌ها وجود داشـته و حالا زمان آن رسیده است که این هم‌گرایی، به مشارکت بیشتر مردم در امور خودشان ختم شود.